

گفته‌ها سرگذشت‌های خواندنی



سید جواد حسینی

صحرای عرفات ایستاده بود. وقت دعا خلق دست برداشته بودند و دعا، می‌کردند و حاجت می‌طلبیدند. جوانی را دید که خاموش بود. شخصی نزد او رفت و گفت: «ای جوان! زمان اجابت است، مکان مکرم است و زمان معظم؛ چرا دعا نمی‌کنی و حاجتی نمی‌طلبی و دستی بر نمی‌داری؟» گفت: «ای عزیز! چه کنم؟ اگر زبان است که آلوده است از غیبت، و اگر دست که در معصیت است. دست و زبان ندارم که

۱. اثر شیر خوردن

عوج بن عناق شیر زنا خورده بود که به جنگ موسی آمد. بخت النصر شیر سگ خورد که در شب اول خروجهش مادرش را شقه کرد و بیت المقدس را ویران نمود. ابن ملجم مرادی شیر یک زن یهودی را خورده بود که سرانجام علی علیه السلام را به شهادت رساند. پسر شیخ فضل الله شیر زن ناصبی را خورده بود که پای چوبه دار پدر کف می‌زد. کیانوری، رهبر حزب توده نیز از همان پسر متولد شد.^۱

۲. دست و زبان آلوده

روزبهان بقلی شیرازی در

۱. داستانهای شگفت از تربیت فرزندان، حیدر قنبری، انتشارات فاتح خیبر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۲۸ و ۳۸.

زینب علیها السلام نیز توسط خداوند بعد از تولدشان تعیین شده است.

۴. به یاد خدا باش!

آیت الله جوادی آملی می‌گوید:

«زمانی عازم زیارت بیت الله الحرام بودم. می‌خواستم به مکه مشرف شوم. آن زمان مصادف با زمستان بود. برای عرض سلام و خداحافظی محضر علامه طباطبایی رفتم. عرض کردم: عازم بیت الله الحرام هستم، نصیحتی بفرمایید که به کار من بیاید و در این سفر توشه راه من باشد. ایشان این آیه مبارکه را به عنوان نصیحت و زاد راه قرائت کردند: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»؛ «به یاد من باشید تا به یاد شما باشم.» اگر خدا به یاد انسان بود، انسان از جهل نجات پیدا می‌کند. هرگز عاجز نمی‌شود و در نمی‌ماند. و اگر به مشکل اخلاقی گیر کرد، خدایی که دارای اسماء حسنی است، گره اخلاقی او را هم می‌گشاید.»^۵

۱. مجله زائر، مؤسسه قدس، شماره ۱۴۱، ۱۳۸۵

ش، ص ۳۳.

۲. مریم/۷.

۳. آل عمران/۴۵.

۴. هود/۷۱.

۵. مجله زائر، شماره ۱۴۱، ص ۳۳.

شایسته آن باشد که حاجتی بطلبم یا به دعا بردارم. مراروی خواستن و طلب کردن و گفتن نیست؛ اگر تو را هست، بگو و بخوان.»^۱

۳. نام‌گذاری توسط خداوند

خداوند نام‌گذاری برخی افراد را خود به عهده گرفته و قبل از تولد آنان، نامشان را مشخص نموده است. در قرآن به چهار مورد اشاره شده است:

۱. حضرت یحیی: «إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ»^۲ «ما تو را به پسری که نامش یحیی است، مژده می‌دهیم.»
 ۲. حضرت عیسی: «إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَىٰ»^۳ «خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود که نامش مسیح (عیسی) است، بشارت می‌دهد.»

۳ و ۴. حضرت إسحاق و یعقوب: «فَبَشِّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَبِإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ»^۴ «پس وی را به إسحاق و از پی إسحاق به یعقوب مژده دادیم.»

البته در روایات آمده است که نام بزرگوارانی چون علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام و

۵. برخی از اولینها در ابتکار

اولین کسانی که کاغذ را از پنبه، کتان و کف ساختند، مسلمانان بودند. اولین کسی که «اسطرلاب» ساخت، ابو إسحاق ابراهیم فزاری مسلمان (قرن دوم ق) بود. نخستین کسی که حالات ششگانه را در مثلث کروی قائم الزاویه استعمال کرد، خواجه نصیر الدین طوسی بود. اولین کسی که طبقات هفتگانه چشم را مطرح کرد، خواجه نصیر الدین طوسی بود. جابر بن حیان همو که الکل را کشف کرد، شاگرد امام صادق علیه السلام بود. اولین کسی که از پنبه در طب استفاده کرد، احمد بن حسین بن عبد الله غضائری بود. نخستین کسی که از راه اندازه گیری طول و عرض جغرافیایی نقشه های جغرافیایی را ترسیم کرد، زکریای رازی بود. نخستین مهندس ایرانی که نقشه «ایران» را ترسیم کرد، سرتیپ بغایری بود. اولین کسی که خط ثلث نوشت، ابن مقلد شیرازی بود. نخستین کسی که خط نستعلیق نوشت، میرعلی تبریزی بود. اولین نویسنده خط تعلیق خواجه تاج اصفهانی بود. نخستین

کسی که با قلم نوشت، ادریس پیامبر بود. نخستین جغرافی دان مسلمان، هشام بن محمد کلبی (قرن سوم ق) بود. اولین کسی که سکه ضرب کرد و این کار را با پیشنهاد امام سجاده علیه السلام انجام داد، عبد الملک بن مروان بود. و در نهایت، نخستین کسی که در خصوص «سرطان زایی» سخن گفت، علی بن عباس اهوازی (طبيب عضد الدوله دیلمی) بود.^۱

۶. دعوت، نشانه دوستی

علی بن موفق گوید: «شبی خانه خدا را طواف کرده و دو رکعت نماز در کنار حجر الاسود به جای آوردم، سپس گریان و نالان سرم را به حجر الاسود چسباندم و گفتم: چقدر در این خانه شریف و مبارک حاضر شوم، ولی هیچ خیر و فضیلتی بر من اضافه نشود، سپس در حالت خواب و بیداری بودم که هاتفی ندا داد: ای علی! سخنان را شنیدم. آیا تو کسی را به خانهات دعوت می کنی که او را دوست نداشته باشی؟»^۲

۱. کلید معارف، ص ۲۷، ۲۸، ۶۵ و ۶۶.

۲. مجله زائر، شماره ۱۴۱، ص ۳۳.